

درباره زندگی و آثار فرانس دی وال

نکته

ما دو رو داریم که هر کدام از آنها در تناظر با ویژگی های کلیشه ای یکی از نزدیک

ترین عموزاده های انسانریخت انسان یعنی شمپانزه و بونوبو هستند. در واقع ما

انسانریختی دوقطبی هستیم. ما رویی بسیار زشت و ناخوشایند داریم و هنگامی که

رذل می شویم تقریباً از هر جانور دیگری که می توان تصور کرد رذل تریم. اما در

عین حال رویی بسیار خوشایند و فداکار نیز داریم و هرگاه خوب می شویم تقریباً از

هر جانور دیگری که بتوان تصور کرد هم عملاً بسیار دوست داشتنی تریم.

کمتر پیش می آید کتابی که دانشمندان بسیار به آن استناد می کنند و ارجاع می دهند در

با .عین حال در فهرست پرخواننده ترین کتاب های اعضای کنگره ایالات متحده نیز آمده باشد

نخستی شناس، (F. de Waal) این همه کتاب «سیاست شمپانزه ها» نوشته فرانس دی وال

که از زمان انتشارش در سال ۱۹۸۲ بیش از ۶۰۰ بار از آن نقل قول شده، از جمله آثاری بود

که نیوت گینگریچ، سخنگوی وقت مجلس نمایندگان ایالات متحده، خواندن آن را در سال

۱۹۹۴ به نماینده های تازه کار توصیه کرد. در این کتاب که شامل مطالبی از رشته های

گوناگون است، ساختار اجتماعی نخستی ها به تفصیل بیان شده و شکاف موجود هم در منابع

علمی و هم در پندارهای عامه را پر کرده است. دی وال با نوشتن این کتاب یکی از نخستین

دانشمندانی بود که تابوهای علمی کهنه را شکست و جانوران را به عنوان موجوداتی شناختی و

عاطفی بررسی کرد نه صرفاً ماشین های یادگیری

از آن زمان دی وال تبدیل به یکی از بانفوذترین پژوهشگران زندگی اجتماعی میمون ها و

سیاست شمپانزه ها: قدرت و «شده است. شش کتاب عامه فهم او، (apes) انسانریخت ها

جنسیت در میان انسانریخت ها» (۱۹۸۲)، «نیک سرشیت: خاستگاه نیک و بد در انسان و

جانوران دیگر» (۱۹۹۶)، «بونوبو: انسانریخت فراموش شده» (۱۹۹۷)، «انسانریخت و استاد

سی سال: سوشی: تاملات فرهنگی یک نخستی شناس» (۲۰۰۱)، «آلبوم خانوادگی من

عکاسی از نخستی ها» (۲۰۰۳) و «انسانریخت درون ما: نخستی شناسی پیشرو تبیین می کند

چرا ما آنکه هستیم، هستیم» (۲۰۰۵)، به بیش از ده زبان ترجمه شده و کارهایش پژوهش

های تازه ای را درباره حل اختلاف و صلح سازی در جانوران برانگیخته است. او در سال ۱۹۹۳

به عضویت آکادمی سلطنتی علوم هلند و در سال ۲۰۰۴ به عضویت آکادمی ملی علوم ایالات

متحده برگزیده شد.

در آتلانتای جورجیا، استاد (Emory) دی وال که اکنون در گروه روانشناسی دانشگاه اموری

و مدیر مرکز «حلقه های زنده» در «مرکز ملی نخستی پژوهی Candler .H.C کرسی

یرکیز» وابسته به دانشگاه اموری است همچنان می کوشد تا با پژوهش هایش به مخاطبان

میمون در آینه: نه چندان «چندرشته ای دست یابد. او در مقاله معارفه اش تحت عنوان

غریبه» که در نهم اوت ۲۰۰۵ و در شماره ۳۲ «نشریه آکادمی ملی علوم آمریکا» منتشر شد،

یافته های مربوط به واکنش میمون های کاپوچین به تصویر خودشان در آینه را ارائه می کند.

در کودک انسان (empathy) از آنجا که تشخیص خود در آینه با نخستین نشانه های همدلی

همبسته است، این پژوهش نشان می دهد که چگونه ظرفیت های گوناگون برای برقراری

پیوندهای عاطفی در نخستی ها ایجاد می شود.

زیست شناسی با فقط ذره ای از حیات •

دی وال حتی پیش از آنکه کارش را در نخستی شناسی آغاز کند هرگز از جانوران دور نبود. او

که نوه صاحب یک مغازه حیوان فروشی و پسر یک رئیس بانک بود، تعطیلات آخر هفته دوران

کودکی اش را در زمین های همواری که برای کشاورزی از دریا خشک شده بودند نزدیک خانه

هلند می گذراند. او در پروژه های جانوری اش نظیر تکثیر (Waalwijk) اش در وال ویک

موش، پرورش کلاغ گردن بور و ایجاد یک باغ وحش آبی کوچک در حیاط پشتی با سطل

هایی پر از ماهی و مارماهی غرق بود.

با این حال معلم زیست شناسی دی وال در دبیرستان به قدری کسالت آور بود که دانش آموز

عاشق طبیعت را از انتخاب علوم حیاتی برای ادامه زندگی اش تقریباً منصرف

ساخت. دانشجویان هلندی پیش از ورود به دانشگاه طبق روال یک دوره تحصیلی انتخاب می

کنند و دی وال به ریاضیات یا فیزیک تمایل داشت. او می گوید خوشبختانه مادرم مداخله کرد

و به یادم آورد که بررسی جانوران شور و اشتیاق قدیمی من بوده و شاید زیست شناسی برایم

در برنامه ای زیست شناسی در مناسب تر باشد. او توصیه مادرش را پذیرفت و در سال ۱۹۶۶

که اکنون دانشگاه رادبود نیممخن نامیده می شود (Nijmegen) دانشگاه کاتولیک نیممخن

نام نویسی کرد.

اما زیست شناسی در ابتدا خیلی به مذاق دی وال خوش نیامد. تنها ارتباط او با جانوران در

دوره تحصیلش تشریح آنها و ترسیم آناتومی شان بود. هر چند این کار به نظرش جالب می آمد

اما ارضایش نمی کرد و پس از چهار سال به صراحت از دانشگاه ناراضی بود. دی وال برای

پرکردن بخشی از وقتش و کسب درآمد بیشتر در یک آزمایشگاه روانشناسی کار گرفت و

مشغول انجام آزمون های شناختی روی دو شمشیر نر جوان شد. دی وال می گوید: «ناگهان با
»خود گفتم این همان کاری است که می خواهم انجام دهم. می خواهم با جانوران کار کنم

ادغام هنر و تهاجم

دی وال تحصیلات تکمیلی را با علاقه ای تجدید شده به رفتار جانوران در سال ۱۹۷۰ در
دانشگاه گرونینگن هلند آغاز کرد. دی وال می گوید گرونینگن عالی ترین موسسه رفتارشناسی
بود، رشته ای از رفتار جانوران که در هلند آن زمان در دوران اوج شکوفایی خود (ethology)

به سر می برد

رفتارشناسی در مقایسه با رشته های کلاسیک و سنتی آن سوی اقیانوس اطلس دیدگاه زیست
شناختی تری به رفتار جانوران داشت، باب میل دی وال. می گوید: «به نظرم بیشتر طبیعی
دانان اساساً طبیعی دان به دنیا می آیند. این چیزی نیست که در دانشگاه به دست آورده
باشم.» در سال ۱۹۷۳ از دانشگاه گرونینگن دکترا گرفت

هلند رفت و (Utrecht) پس از آن دی وال بر ادامه کار دوره دکترا به دانشگاه اوترخت
همانطور که خودش می گوید به این ترتیب سنت هلندی آموزش تک دانشگاهی را زیر پا
به استخدام (aggression) گذاشت، دی وال که برای کار در پژوهشی گسترده درباره تهاجم
نخستی شناس درآمد بود، رفتار پساتهاجمی را فوق العاده (VanHooff.J) یان فان هوف

جالب توجه یافت. می گوید: «مشاهده جنگ هایی که در گروهی از نخستی ها در می گرفت و

سپس مشاهده اینکه پانزده دقیقه بعد همه آرام می گرفتند برایم جالب بود. در حیرت بودم که

«آنها چگونه تهاجم را وارد زندگی اجتماعی شان می کنند

انسانریخت های آن سوی آب*

در بخش شرقی هلند رفت تا در باغ وحش (Arnhem) در سال ۱۹۷۵ دی وال به آنهم

بورخرس که توسط برادر استاد مشاورش، آنتون فان هوف، اداره می شد کار کند. این دو برادر

در جزیره ای درون باغ وحش، یک کلنی متشکل از ۲۵ شمپانزه ایجاد کرده بودند که در آن

زمان در نوع خود تشکیلاتی کم نظیر بود و هنوز بزرگترین کلنی کنونی از این دست است. در

اینجا دی وال ضمن آنکه پایان نامه اش را درباره تهاجم در میمون های ماکا می نوشت می

توانست با دوربین دوچشمی صحنه سریال آبکی و نیرنگ بازانه نرهای کلنی را تماشا کند

دی وال از طریق این مشاهدات توانست آن مبادلات اجتماعی که وجود تهاجم شمپانزه در کنار

رفتار صلح جویانه را در آنها امکان پذیر می سازد، شناسایی و ویژگی هایش را مشخص کند.

این نخستین باری بود که کسی می توانست گروه بزرگی از شمپانزه ها را در اسارت بررسی

کند و این تجربه پربارترین دوره اکتشاف علمی در زندگی حرفه ای دی وال باقی ماند. او می

گوید: «تمام مسائلی که در این لحظه هنوز دارم روی آنها کار می کنم در آن کلنی شمپانزه ها

»اساساً پیش چشمانم دیدم

(R.Goy) پس از یکی از اولین سخنرانی‌ها دی وال در کنفرانسی بین‌المللی با رابرت گوی

درون ریزشناس دانشگاه ویسکانسین - مدیسون آشنا شد و او فوراً اصرار کرد که دی وال به

گروه وی در ایالات متحده بپیوندد. دی وال می‌گوید: «از آنجا که هرگز آن سوی اقیانوس

چند سال بعد در ۱۹۸۱ سرانجام موافقت کرد و «اطلس نبودم از این پیشنهاد کمی ترسیدم

به مرکز ملی نخستین پژوهی ویسکانسین در مدیسون رفت که مدیر آن گوی بود. گرچه در

اما پس از دو هفته دی وال به قدری از محیط آنجا ابتدا قصد داشت فقط یک سال بماند

خوشش آمد که پستی بلندمدت تر که به تازگی در مرکز ایجاد شده بود را پذیرفت

اکنون در خانه جدید دی وال فقط جای انسانریخت‌ها خالی بود. او در ویسکانسین ماکاها را

بررسی می‌کرد اما هر جا که امکان داشت، مثلاً در باغ وحش سن دیه گو در کالیفرنیا و مرکز

در آتلانتا ترتیبی می‌داد تا انسانریخت‌ها را هم بررسی (Yerkes) ملی نخستین پژوهی یرکیز

کند.

انسانریخت‌ها در مقایسه با میمون‌ها باهوش‌تر و از نظر تکوینی به انسان نزدیک‌ترند. می

گوید: «در آن زمان به انسانریخت‌ها گیر داده بودم. درباره میمون‌ها خیلی کارهای جالب می

توان انجام داد اما اگر کسی به مسائل مربوط به شناخت عالی و تکامل انسان علاقه مند باشد

«آنگاه کار با انسانریخت ها زمین تا آسمان فرق می کند

• شمپانزه های ماکیاولی منش

طی این زمان با ایجاد یک مسیر حرفه ای موازی در عامه فهم نویسی، ارتباط دادن رفتار انسان

و جانوران برای دی وال مهم تر شد. در آرnhem او بارها برای بازدیدکنندگان باغ وحش سخنرانی

کرده و از کنجکاوای طبیعی آنها آگاه بود. با این حال متوجه شده بود که موضوعات داغ

می گوید: «آنچه آنها واقعاً می خواستند بدانند آن بود .آکادمیک آنها را به خمپانزه وامی دارد

».که جانوران چه نوع عواطف، چه نوع حالات رخساری و چه نوع روابط اجتماعی دارند

دی وال پس از مشاهده شورش های سیاسی میان شمپانزه ها در آرnhem به نتیجه رسید که این

«برای کتابی با مخاطب عام موضوعی ایده آل است. او روی این کتاب که «سیاست شمپانزه ها

نام گرفت و در سال ۱۹۸۲ پس از ترجمه از دست نوشته هلندی اش در لندن به چاپ رسید

دو سال کار کرد. گرچه دی وال در ابتدا در نظر داشت کتابی نیمه علمی و نیمه عامه فهم

بنویسد اما در پایان نتیجه کار کتابی عامه فهم از آب درآمد که از سوی جامعه علمی نیز به

خوبی پذیرفته شده در واقع این کتاب احتمالاً هنوز به گفته خودش پرجاع ترین نوشته

اوست.

سیاست شمپانزه ها» با انتساب صفات نسبتاً انسانی به جانوران، تابوهای علمی کهنه را «

شکست. در آن زمان که این کتاب انتشار یافت دیدگاه های آکادمیک تا حدودی در نتیجه کار

و فرانس (Goodall.J)، جین گودال (Griffin .D) پژوهشگرانی همچون دونالد گریفین

دی وال در حال تغییر بود. این هر سه نفر در رابطه با شناخت جانوران رویکردی میانه رو در

پیش گرفته بودند. پیش از آن روانشناسی مقایسه ای تمام رفتارهای جانوران را از طریق

یادگیری آزمون و خطا تبیین می کرد و در سر دیگر طیف رفتارشناسی جانوران را همچون

«ماشین غریزه» می دید. دی وال می گوید: «زمانش سر رسیده بود. اگر آن کتاب را ۱۰ سال

قبل نوشته بودم احتمالاً مرا زنده زنده در آتش می سوزاندند. ۱۰ سال بعد هم از انقلاب خیلی

»گذشته و آب ها از آسیاب افتاده بود

تماس با دو مخاطب •

با وجود این دی وال هنوز دلایلی داشت که برای شغل دانشگاهی نوپایش نگران باشد. فان

هوف، استاد مشاور دی وال، که به جو محافظه کارانه دانشگاه می اندیشید از دانشجوی خود

خواست که در رابطه با برخی نتیجه گیری های جنجالی کتاب معتدل تر باشد. اما دی وال به

آنچه در آرنهم در میان شمپانزه ها دیده بود اعتقاد راسخ داشت و بنابراین حرف هایش را به

نگرش من به مسئله طوری بود که اساساً فقط در جوان ترها دیده » :صراحت زد. او می گوید

می شود. یعنی چیزی برای از دست دادن نداشتم. نه شغلی داشتم نه شهرتی نه چیزی. پس به

سیاست شمپانزه ها مورد «خودم گفتم گور پدر همه آنهایی که جور دیگری فکر می کنند توجه خوانندگان عمومی و نیز بسیاری از دانشمندان قرار گرفت و دی وال را که در آن زمان

۳۲ سال داشت مشهور ساخت

تمایل به رک گویی همواره ویژگی بارز دی وال در زندگی حرفه ای اش بوده است. در اواخر دهه ۱۹۹۰ هنگامی که می خواست کارهایی بالقوه جنجالی درباره شمپانزه های بونوبو چاپ

هیچ کس درباره سکس در « کند با مقاومت ویراستاران نشریات روبه رو شد. او می گوید

اساساً افرادی بونوبوها چیزی نمی گفت. به نظرم این وضعیت به کلی احمقانه و بی معنی بود

«خجالتی با احساس شرمندگی و در خفا روی مسئله جنسیت در بونوبوها کار می کردند

این بار هم دی وال تصمیم گرفت کارهایش را با صراحت در مقاله ای زیر عنوان «بونوبو:

جنسیت و جامعه» در شماره مارس سال ۱۹۹۵ مجله ساینتیفیک امریکن منتشر سازد. دو

، عکاس مشهور هلندی، کتاب (Lanting.F) سال بعد همراه با عکس های فرانس لنتینگ

«بونوبو: انسانریخت فراموش شده» (۱۹۹۷) را به چاپ رساند. توانایی تولید آثاری برای مخاطب

عام و انجام پژوهش های دقیق و جدی بدون آنکه تناقضی با هم داشته باشند حساب دی وال

یکی از (McGrew .W) را از بسیاری از دانشمندان دیگر جدا می کند. ویلیام مک گرو

همکاران دی وال و استاد انسان شناسی و جانورشناسی دانشگاه میامی در اوهایو می گوید: «در

حیرتم که او چگونه می تواند این هر دو کار را با هم انجام دهد. فرانس می تواند طوری بنویسد

که یک خواننده متوسط هم بفهمد اما در عین حال می تواند نوشته هایش را با داده ها و

پژوهش های به دقت طراحی شده استحکام و اعتبار ببخشد. چنین پایگاه بلندی که او در میان

همکاران دانشمندی به آن دست یافته به خاطر این است که برای دستیابی به داده های لازم

«و شکل دهی به نظراتش سخت تلاش می کند»

آزمودن سرشت نیک نخستی ها•

دی وال پس از یک دهه پژوهش در ویسکانسین کم کم دلش برای یک نوع جانور دیگر تنگ

شد: دانشجوی تحصیلات تکمیلی. او به عنوان عضو پژوهشی دانشکده روی تحقیقاتش متمرکز

بود اما نمی توانست به آسانی راهنمایی دانشجویان را به عهده بگیرد. می گوید: «به این

واقعیت توجه نکرده بودم که هیچ میراثی از خودم به جا نگذاشته ام.» در سال ۱۹۹۰ دی وال

به دانشگاه اموری رفت که از پیش در مرکز ملی نخستنی پژوهی یرکیز در آنجا به بررسی

انسانریخت ها می پرداخت. همزمان با این جابه جایی دی وال نقطه تاکیدش در پژوهش را نیز

تغییر داد. کارهای او تا آن زمان عمدتاً مشاهداتی بودند اما پس از آن به انجام پژوهش های

تجربی تر علاقه مند شد. در یرکیز او آزمایشگاهی اختصاصی برای میمون های کاپوچین راه

، (Krummer. H)اندازی کرد که برای انجام کار تجربی و براساس مفهومی از هانس کرومر

میمون ها در گروه های اجتماعی داخل ساختمان نخستین شناس سوئسی، طراحی شده است

/خارج ساختمان زندگی می کنند اما طوری تربیت می شوند که برای انجام آزمایش در بخشی

خاص گروه را ترک کنند. دی وال می گوید: «میمون هایی در اختیار دارید که در گروه خود

«دوستان و دشمنانی دارند و می توانید از همین مسئله در آزمایش هایتان استفاده کنید

اگرچه دی وال در ابتدا روی آزمایش های مربوط به همکاری و رابطه متقابل در نخستین ها

متمرکز بود اما رفته رفته به موضوع همدلی نیز علاقه مند شده است. در سال ۱۹۹۶ کتاب

«نیک سرشت» را نوشت و در آن درباره ظرفیت نخستین ها برای داشتن همدلی بحث کرد. می

گوید: «برای مثال چنانچه شمپانزه ای ناراحت و غم زده باشد شمپانزه ای دیگر به سراغش

«خواهد آمد و او را در آغوش گرفته آرام خواهد کرد

دی وال می گوید در کودک انسان این اشکال عالی همدلی تنها هنگامی ظهور خواهد کرد که

آنقدر بزرگ شده باشد که خود را در آینه تشخیص دهد. جالب آنکه انسانریخت ها می توانند

خودشان را در آینه تشخیص دهند درحالی که میمون ها نمی توانند. به همین ترتیب

انسانریخت ها نسبت به میمون ها این همدلی را می توانند به شکل های پیچیده تری بیان

کنند و دی وال معتقد است که میان همدلی و تشخیص خود در آینه ارتباطی وجود دارد.

تصاویر غریبه •

دی وال در مقاله معارفه اش که در این شماره نشریه آکادمی ملی علوم آمریکا منتشر شده

نتایج آزمایشی برای آزمودن این فرض را ارائه کرد که میمون ها هنگام نگاه کردن به آینه

تصویری را که می بینند با یک میمون واقعی اشتباه می گیرند. اگرچه این نکته به اثبات

رسیده که میمون ها تصویر خودشان را تشخیص نمی دهند، دی وال در فکر بود که آیا آنها

می پندارند تصویرشان متعلق به میمون غریبه ای است یا خیر.

در این آزمایش میمون های کاپوچین محوطه آزمایشی یرکیز هم در مقابل میمون های آشنا و

هم در مقابل میمون های غریبه و هم در مقابل آینه مشاهده شدند. واکنش آنها به آینه از

واکنش آنها به میمون های واقعی به ویژه آنهايي که به گروه اجتماعی دیگری تعلق داشتند به

طور چشمگیری متفاوت بود. دی وال می گوید: «به نظر می رسد میمون ها از همان نگاه

نخست بی درنگ درمی یابند که این تصویر غریبه نیست. ما نمی دانیم آنها چه می بینند.

خودشان را که نمی بینند. اما غریبه ای را هم نمی بینند. آنها اساساً جایی بین این دو قرار می

گیرند.» دی وال می نویسد دانشمندانی که درباره تکوین تحقیق می کنند در مورد کودکان

انسان تا پیش از ۱۸ ماهگی تصویر خویش را تشخیص نمی دهد اما به .هم نظر مشابهی دارند

درک خاصی از آینه می رسد و می فهمد که به یک کودک واقعی نگاه نمی کند. این رفتار در

تضاد با برخی نظریه های موجود در منابع علوم جانوری است که به تمایزی سیاه و سفید در

تشخیص خود در آینه معتقدند. دی وال می گوید: «بنابر این نظریه ها شما در آینه یا غریبه

ای می بینید یا خودتان را و هیچ حد واسطی وجود ندارد.» او در مقاله معارفه اش استدلال می

کند که میمون های کاپوچین همچون کودک انسان در ناحیه ای خاکستری بین این دو کران

قرار می گیرند.

• میراث اخلاقی دوگانه

اگرچه بررسی عواطف در جانوران همچنان حوزه ای جنجالی است، کارهای دی وال از تأیید و

حمایت رشته علوم اعصاب برخوردار می شود. از هنگامی که دانشمندان علوم اعصاب مراکز

عاطفی را با کمک اسکن های مغزی سنجش پذیر ساخته اند، بررسی عواطف در جانوران اعتبار

یافته و قابل قبول شده است. می گوید: «عصب شناسان از پژوهش درباره همدلی و عواطف در

انسان به هیچ وجه خجالت نمی کشند. هنگامی که نوشتن درباره همدلی در جانوران را آغاز

کردم دانشمندان علوم اعصاب خیلی بیشتر از دانشمندان سنتی علوم رفتار علاقه نشان می

دادند.»

این کار بر روی همدلی جانوران و ارتباط آن با همدلی در انسان دی وال را به قلمرویی راهنما

آیا انسان طبیعتاً موجودی اخلاقی شده که کمتر دانشمندی خطر کرده وارد آن شود: فلسفه

است یا ما اخلاق را تنها با سعی و تلاش بسیار فرامی گیریم؟ آیا نیکی غیرطبیعی و ساختگی

است؟ دی وال در پاسخ می گوید که او عمدتاً با چارلز داروین هم عقیده است که اخلاق را پیامد طبیعی غرایز اجتماعی می نامید و آن را همچون یک محصول تکاملی می نگریست. دی

وال می گوید: «این در فلسفه بحثی قدیمی است و اکنون بحثی در زیست شناسی هم هست.

»در اینجا است که کار من به فلسفه ارتباط می یابد

دی وال به امید آزمودن واکنش های همدلانه در نخستین ها قصد دارد در آینده پژوهش درباره

همدلی را ادامه دهد. تازه ترین اثر او با عنوان «انسانریخت درون ما» در سال ۲۰۰۵ انتشار

یافت. این کتاب بیش از تمام آثار پیشین او به رفتار انسان می پردازد. می گوید: «در این کتاب

نشان می دهم که ما دو رو داریم که هر کدام از آنها در تناظر با ویژگی های کلیشه ای یکی از

نزدیک ترین عموزاده های انسانریخت انسان یعنی شمپانزه و بونوبو هستند. در واقع ما

انسانریختی دوقطبی هستیم. ما رویی بسیار زشت و ناخوشایند داریم و هنگامی که رذل می

شویم تقریباً از هر جانور دیگری که می توان تصور کرد رذل تریم. اما در عین حال رویی بسیار

خوشایند و فداکار نیز داریم و هرگاه خوب می شویم تقریباً از هر جانور دیگری که بتوان تصور

»کرد هم عملاً بسیار دوست داشتنی تریم

PNAS, Aug. 9, 2005

رجینا نازو

ترجمه: کاوه فیض اللهی

منبع: روزنامه شرق